

میلان کوندر

---

# شوخی

---

www.ketab.ir



ترجمہ فروغ پوریاوری



## شوخی

میلان کوندرا

ترجمه فروغ پوری

صفحه آرای: فریلون سامانی - مریم آقایی

طراحی جلد: حمید باهو

مجموعه ادبیات ترجمه

چاپ اول: ۱۴۰۰ / ۷۷۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: نشر ثالث

صحافی: نوری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۹۷-۴

ISBN: 978-600-405-797-4

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۱۲۵۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، پ ۱۵۰، طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، پ ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت، مجتمع ایران مال، طبقه G3، شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: پاسداران، میدان هروی، مجتمع هدیش مال

فروشگاه شماره چهار: خیابان فرشته، آقابزرگی، باغ ریشه، پ ۳۱

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۲۷ - ۸۸۳۰۲۴۲۷ - ۸۸۳۲۵۳۷۶

آدرس سایت: [www.salesspublication.com](http://www.salesspublication.com)

آدرس اینستاگرام: [salesspublication](https://www.instagram.com/salesspublication)

## فهرست

|     |                                  |
|-----|----------------------------------|
| ۷   | مقدمه نویسنده                    |
| ۱۵  | بخش یکم: لودویک                  |
| ۲۹  | بخش دوم: هلنا                    |
| ۴۷  | بخش سوم: لودویک                  |
| ۱۶۹ | بخش چهارم: یاروسلاو              |
| ۲۲۷ | بخش پنجم: لودویک                 |
| ۲۷۳ | بخش ششم: کوستکا                  |
| ۳۲۵ | بخش هفتم: لودویک، یاروسلاو، هلنا |

## مقدمه نویسنده

در ۱۹۸۰، هنگامی که در خلال مناظره‌ای تلویزیونی درباره آثار من کسی رمان شوخی را «آهنامه‌ای مهم علیه استالینسم» نامید، به سرعت وسط حرفش دویدم و گفتم: «خواهش می‌کنم مرا از استالینیسمتان معاف بفرمایید. شوخی یک داستان عاشقانه است!»

این کتاب را ۱۹۶۲، در سی و سه سالگی نوشتم. جرقه‌ای که باعث نوشتن آن شد، واقعه‌ای در یک شهر کوچک در چک بود: دستگیری دختری به خاطر دزدیدن گل از گورستان و هدیه کردن آن به معشوقش. همان طور که درباره این موضوع فکر می‌کردم، شخصیتی در برابر چشمانم جان گرفت؛ شخصیت «لوسی» که در نظر او تمایلات جنسی و عشق دو چیز ناسازگارند. بعد داستان او با سرگذشت یک مرد، شخصیت «لودویک» که تمام نفرت انباشته در طول زندگی‌اش را در یک بار عشق‌ورزی متمرکز می‌کند، یکی شد. و این، حکایت شوخی است: دونوازی‌ای غم‌انگیز درباره جدایی میان جسم و جان.

طرح و توطئه شوخی به خودی خود یک شوخی است. و نه فقط طرح و توطئه‌اش، که فلسفه‌اش نیز: بشر گرفتار در دام شوخی از فاجعه‌ای شخصی رنج می‌برد که از بیرون چرند و خنده‌دار می‌نماید. تراژدی او در این واقعیت ریشه دارد